

سرا

ویژه نامه نشریه زائر
بعثه مقام معظم رهبری



غذایی

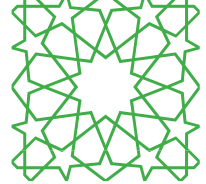
چهارشنبه ۱ آبان ۱۳۹۲ - ۱۸ ذی الحجه ۱۴۳۴
OCTOBER 23, 2013

**برکت نوحه های نوح؛ عصاره زهد زکریا؛
دل مایه ابراهیم خلیل؛ دم عیسی مسیح؛ طنین رحمت محمدی (ص) و تکمیل دین الهی
خط نورانی امامت را کلید زد**

ای غدیر! تو برکه آرمیده در دل صحرا؛ اما جاری تا عمق تاریخی؛ تو چشمه جوشان عشق و ایمانی؛ تو پیام آور آزادی انسانی.
ای غدیر! تو برکه ای از نور؛ طنین آواز حقیقت؛ بر آمده از نای سبزه زاران حیاتی.
ای غدیر! ای سایه سار امید رهایی بشر؛ روح ماندگار معنا و ای حدیث حادثه والا.
ادامه در صفحه ۲



**ای برکه بهشتی
از دریا بگو!**



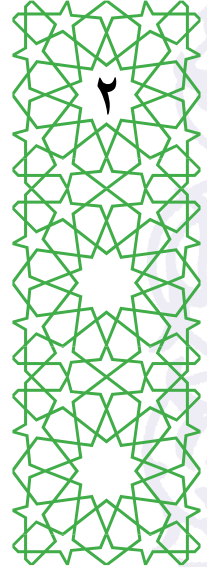
غدیر

ویژه نامه نشریه زائر
بعثه مقام معظم رهبری

چهارشنبه ۱۳۹۲

۱۸ ذی الحجه ۱۴۳۴

۲۳ اکتبر ۲۰۱۳



ای برکه بهشتی از دریا بگو!

ادامه از صفحه ۱

تو یادگار یادها و تلاوت ارزشهای تاریخی.
تو؛ تداوم رسالت و توحید؛ تو، باز تاب فریادهای خورشیدی.
ای غدیر! تو نه یک برکه؛ که دریایی نشأت گرفته از ازل و جاری تا ابدی.
ای غدیر! تو دل مایهٔ ابراهیم خلیل در پی ریزی کعبهٔ ایمان و فرا بردن پایه های اسلام؛ تا عرش خداوندی هستی.
ای غدیر! تو سرشار از برکت نوحه های نوح و مددکار رهایی کشتی او در تلاطم طوفانی.
ای غدیر! تو فرزند سعی ساره و هجر هاجر و زمزمهٔ زمزمی.
ای غدیر! تو پاره ای از نیلی که موسائیان به نشانه فرو رفتن در رحمت و برکت پروردگار؛ در آن گام نهادند و به سلامت و میمنت و برکت از آن فراز آمدند.
ای غدیر! تو جان بخش دلها؛ همچون دم عیسای مسیح و متبرک از زهد زکریای پیامبری.
ای غدیر! تو شفافترین آبهای و منعکس کنندهٔ خورشیدی.
ای غدیر! تو تصویرگر قدر مردی هستی که تعظیم همهٔ عصرها و نسلها را به پیشگاه پاک خویش برانگیخته است.
ای غدیر! تو امروز آبیاری هر چه گل خوشبوی ولایتی.
ای غدیر! تو شاهد بودی که کدامین انسان والا در آن روز بزرگ بر فراز همهٔ اعصار، جای گرفت.
ای غدیر! این حقیقت را فریاد کن؛ تا هر که؛ در هر کجا؛ بداند که علی (علیه السلام)؛ آن دریای کرامت و انسانیت؛ بر حق است.
ای غدیر! ای برکه سترگ! ای روح آبی صحرا! ای انعکاس حقیقت مطلق.
ای جاودانهٔ جاری؛ بر گوی! از آن روز جاودانه سخن بران.
ای غدیر! از دریا بگو؛ از روح پاک عالم معنا بگو. از اسرار نمان و هویدا بگو.
از پیشوای ما بگو، از آن عقد ثریا بگو، از آن محشر برپا بگو، از آن ماه تولا بگو، از آن کعبه دلها بگو....
هان! ای غدیر! ای بیان قدرت ایمان! ای افتتاح خط امامت! ای امتداد راه رسالت! ای تبلور عظیم ترین حماسه جاودانه! ای یگانه!
هم چنان؛ موج گستر بمان هم چنان ما را به خود بخوان. هم چنان؛ عظمت را از آن دریا بدان.
ای برکه! ای غدیر! ای دریا! ای علی (علیه السلام)! هم چنان جاودانه بمانید تا نهایت دنیا.

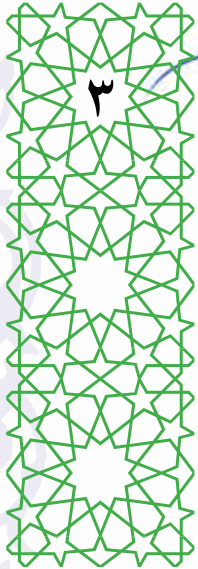
وصف جان در سخن جانان

رسول اکرم (ص) در شخصیت بی انتهای علی (ع) و کمالات بی نظیر و فضایل بی پایانش احادیثی فرموده اند که به بخشی از آنها اشاره می نمایم.
حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود:
- اگر تمام باغ ها قلم گردد، همه دریاها مرکب، همه جن ها حسابگر و انسان ها نویسنده شوند تا همه فضایل و مناقب علی را بشمارند نمی توانند.
- پروردگار عالم به من وحی کرد و مرا مأمور ساخت که علی علیه السلام را با لقب امیرالمومنین بخوانم و فرمود: تا به حال، کسی را با این لقب نخوانده ام و آن را به کسی نخواهم داد.
- هر کس می خواهد حضرت نوح (ع) را در عزم و اراده اش بنگرد و علم سرشار حضرت آدم (ع) را درک کند و به جدم حضرت ابراهیم (ع) در حلم و بردباری اش نگاه کند و حضرت موسی (ع) را در ذکاوت و هوشیاری و حضرت عیسی (ع) را در زهد و بی توجهی به دنیا ببیند، وجود مبارک علی (ع) را ببیند.
- من شهرعلم هستم و علی در آن است، هر کس می خواهد وارد آن شود باید از این در بگذرد.
- علی از حیث قضاوت و داوری نیز در میان امت من بی نظیر است.
- سرلوحه دفتر هر فرد با ایمان محبت و دوستی علی ابن ابیطالب است.
- علی داناترین امت من، بعد از من است.



منزلگاه اتمام نعمت

غدیر فقط آبگیر زلال بارانهای بهاری صحرای جُحفه نیست؛ غدیر تنها یادآور سه شبانه روز ماندن پیامبر و یکصد و بیست هزار حاجی مسلمان نیست... غدیر آخرین منزلگاه اكمال دین و اتمام نعمت خداست. غدیر شاهرگ حیات معنوی انسان است.
غدیر آخرین جایگاهی است که خدا و پیامبر امام را به بشر معرفی کردند تا حجت را بر همگان تمام کنند. غدیر روز پیمان بستن با نبوت و امامت است و پذیرش ولایت آنان از جان و دل. غدیر بوتهی آزمایش مردمان است.
غدیر روز زینت یافتن جهان هستی به ولایت علوی است. غدیر جایگاه یافتن علی و راه علی است و پناهگاه دل سپردن به علی و در پناه علی راه رفتن است. غدیر روز نشان دادن شاهراه مستقیم الهی است به سوی سعادت و بهشت و برای همیشه تاریخ. غدیر برکهی خوشبختی انسان و انسانیت است. این است که همیشه زنده و شاداب و سبز و جاوید خواهد بود.
آری... این خواست خداست که خوشبختی و سعادت از برکهی غدیر امیرمؤمنان به انسان ها رسیده باشد.



مرکز مولانا محمد علی مولا

روایتی از واقعه غدیر خم؛

هر که من مولای اویم ...

در این جا صدای پیامبر رساتر و بلندتر شد و فرمود: «ایها الناس! من اولی الناس بالمؤمنین من انفسهم؟ چه کسی از همه مردم نسبت به مؤمنین از خود آنها سزاوارتر است؟» گفتند: خدا و پیامبر داناترند.

پیامبر(ص) فرمود: «خدا مولا و رهبر من است، و من مولا و رهبر مؤمنانم و نسبت به آنها از خودشان سزاوارترم». سپس افزود: «فمن كنت مولاه فعلى مولا؛ هر کس من مولا و رهبر او هستم علی مولا و رهبر اوست».

این سخن را سه بار تکرار کرد، و به گفته بعضی از روایان حدیث چهار بار، سپس سر به آسمان بلند کرد و گفت: «اللهم وال من والاه، و عاد من عاداه، و احب من احبه، و ابغض من ابغضه، و انصر من نصره، و اخذل من خذله، و ادر الحق معه حيث دار!»

خداوندا دوستان او را دوست دار، و دشمنانش را دشمن دار، محبوب دار آن کس که او را محبوب دارد، و میغوض دار آن کس که کینه او به دل گیرد، یارانش را یاری کن، و ترک کنندگان یاریش را محروم ساز، حق را همراه او بدار، و او را همراه حق».

سپس فرمود: «همه حاضران به غائبان این خبر را برسانند». هنوز صفوف جمعیت از هم متفرق نشده بود که جبرئیل، امین وحی خدا را نازل گشت و این آیه را بر پیامبر فروخواند «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي...؛ امروز آیین شما را کامل و نعمت خود را بر شما تمام نمودم»

در این هنگام پیامبر(ص) فرمود: «الله اكبر، الله اكبر، على اكمل الدين و اتمام النعمة و رضی الرب برسالتي و الولاية لعلی من بعدی؛ خدا را تکبیر می گویم، خدا را تکبیر می گویم، بر این که آیین خود را کامل و نعمت خویش را بر ما تمام کرد، و رضایت خود را به رسالت من، و ولایت علی پس از من، اعلام داشت».

در این هنگام شور و غوغایی در میان مردم افتاد، و همگان از جمله بزرگان به نام آن هنگام علی(ع) را به این مقام تبریک گفتند ...

حدیث فوق را با عبارات مختلف گاهی مفصل و گاهی بسیار فشرده و کوتاه، گروه عظیمی از علماء و دانشمندان اسلام در کتب خود آورده اند، و این حدیث از احادیث متواتری است که احدی نمی تواند در صدور آن از پیامبر(ص) تردید داشته باشد، تا آن جا که نویسنده محقق «علامه امینی» در کتاب معروف الغدير این حدیث را از صد و ده نفر از صحابه و یاران پیامبر(ص) و از سیصد و شصت دانشمند و کتاب معروف اسلامی، نقل کرده است، و در غالب کتب تفسیر و تاریخ و حدیث برادران اهل سنت آمده است، حتی گروه عظیمی از علمای اسلام کتاب مستقل درباره خصوص این حدیث نگاشته اند، از جمله مرحوم علامه امینی که خود کتاب مستقل بسیار پرمایه و کم نظیری در این باره نوشته، بیست و شش تن از علمای اسلام را که درباره حدیث غدیر «کتاب جداگانه» نوشته اند نام برده است.

بسیاری از مورخان اسلامی نوشته اند که پیغمبر گرامی اسلام(صلی الله علیه وآله) در آخرین سال عمرش مراسم حج را بجا آورد، و پس از انجام آن با انبوه عظیمی از یاران قدیم و جدید و مسلمانان شیفته ای که از تمام نقاط حجاز برای انجام این مراسم به او پیوسته بودند به هنگام بازگشت از مکه به سرزمین «جحفه» در میان مکه و مدینه، و سپس به بیابان خشک و سوزان «غدیر خم» که در حقیقت چهارراهی بود که مردم حجاز را از هم جدا می کرد، رسیدند.

پیش از آن که مسلمانانی که به نقاط مختلف حجاز می رفتند از هم جدا شوند پیامبر دستور توقف به همراهان داد، آنها که در پیشاپیش قافله در حرکت بودند به بازگشت دعوت شدند، و عقب افتادگان نیز به قافله رسیدند، هوا بسیار داغ و سوزان بود، و سایبانی در صحرا به چشم نمی خورد، مسلمانان نماز ظهر را با پیامبر(ص) ادا کردند، هنگامی که تصمیم داشتند به خیمه های خود پناه برند، پیامبر به آنها اطلاع داد، همه باید برای شنیدن یک پیام تازه و مهم الهی که در ضمن خطبه مفصلی بیان می شد آماده شوند.

منبری از جهاز شتران ترتیب داده شد و پیامبر(ص) بر فراز آن قرار گرفت، و بعد از حمد و ثنای الهی مردم را مخاطب ساخته چنین فرمود: من به زودی دعوت خدا را اجابت کرده از میان شما می روم، من مسئولم، شما هم مسئولید شما درباره من چگونه شهادت می دهید؟

مردم صدا بلند کردند و گفتند: «شهادتک قد بلغت و نصحت و جهدت فجزاک الله خیراً؛ ما گواهی می دهیم تو وظیفه رسالت را ابلاغ کردی، و شرط خیرخواهی را انجام دادی، و نهایت تلاش را در راه هدایت ما نمودی، خدا تو را جزای خیر دهد».

پیامبر(ص) فرمود: «آیا شما گواهی به یگانگی خدا و رسالت من و حقایق روز رستاخیز و برانگیخته شدن مردگان در آن روز می دهید؟ همه گفتند: آری گواهی می دهیم، فرمود: خداوندا گواه باش...».

بار دیگر فرمود: «ای مردم! آیا صدای مرا می شنوید؟ گفتند: آری، و به دنبال آن سکوت سراسر بیابان را فرا گرفت، و جز صدای زمزمه باد چیزی شنیده نمی شد، پیامبر(ص) فرمود: اکنون بگویند با این دو چیز گرانمایه و گرانقدر که در میان شما به یادگار می گذارم چه خواهید کرد؟

کسی از میان جمعیت صدا زد کدام دو چیز گرانمایه یا رسول الله؟

پیامبر(ص) فرمود: «اول «ثقل اکبر»، «کتاب خدا قرآن» است، دست از دامن آن برندارید تا گمراه نشوید، دومین یادگار گران قدر من خاندان من هستند، و خداوند لطیف خبیر به من خبر داده که این دو هرگز از من جدا نشوند تا در بهشت به من ببیوندند، از این دو پیشی نگیرید که هلاک می شوید و عقب نیفتید که باز هلاک خواهید شد!».

آنگاه پیامبر(ص) دست علی (ع) را گرفت و بلند کرد و همه مردم او را دیدند و شناختند.



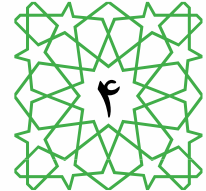
غدیر

ویژه نامه نشریه زائر
بعثه مقام معظم رهبری

چهارشنبه ۱۳۹۲

۱۸ ذی الحجه ۱۴۳۴

۲۳ اکتبر ۲۰۱۳



عقود الله

واقعه ای که کافران
را نا امید کرد

غدیر؟

اکمال دین، اتمام نعمت

می کنیم در نتیجه می بینیم [که روایات] نه یکی، نه دو تا و نه ده تا بلکه به طور متواتر می گوید: این آیه در روز غدیر خم نازل شد که پیغمبر (ص)، علی (ع) را به جانشینی خودش نصب کرد. ولی آیا قرائتی که در خود آیه هست، همین را که تاریخ تأیید می کند، تأیید می نماید یا نه؟ [می بینیم که تأیید می کند] آیه این است: «الْيَوْمَ يَسِّنُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ»؛ امروز (یا بگوییم آن روز) کافران از دین شما مایوس شدند. این را ما ضمیمه می کنیم به یک سلسله آیات دیگری در قرآن که مسلمین را تحذیر می کند، می ترساند و می گوید کافران دائما نقشه می کشند و دوست دارند که شما را از دینتان برگردانند و علیه دینتان اقدام می کنند... از طرف دیگر می بینیم در آن آیه می گوید ولی امروز دیگر مایوس شدند، از امروز دیگر فعالیت کافران علیه دین شما به پایان رسید «فلا تخشوه» دیگر از ناحیه آنها بیمی نداشته باشید «واخشون» از من بترسید! ...

پس معنی «الْيَوْمَ يَسِّنُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَ تَخْشَوْهُمْ وَاخْشُونِ» این است که دیگر کافرهای بیرون جامعه اسلامی [از این که دین شما را از بین ببرند] مایوسند، از ناحیه آنها دیگر خطری برای عالم اسلامی نیست، از من بترسید، یعنی از خودتان بترسید. ای جماعت مسلمین! بعد از این اگر خطری باشد آن است که خودتان با نعمت اسلام بد عمل بکنید، کفران نعمت بکنید، آن استفاده‌ای را که باید ببرید نبرید، در نتیجه، قانون من در مورد شما اجرا شود: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» از این روز، دیگر خطری از خارج، جامعه اسلامی را تهدید نمی کند [زیرا، امام و حافظ نظام، تعیین شد] خطر از داخل تهدید می کند.

تواتر حدیث غدیر

استاد، یکی از ادله شیعه در امامت را تواتر حدیث غدیر شمرده و می نویسد: .. خواجه نصیر [می گوید: " و لحدیث الغدیر المتواتر؛ " حدیث غدیری که متواتر است. متواتر در علم

علاوه شیعه از کلمات و روایات خود اهل تسنن، دلیل می آورد که این آیه در غدیر خم نازل شده است. »

غدیر و آیه اکمال دین

شهید مطهری آیه اکمال را این چنین تفسیر می نماید: در همان سوره مائده، آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده/۳)؛ امروز دین را به حد کمال رساندم و نعمت را به حد آخر، تمام کردم، امروز است که دیگر اسلام را برای شما به عنوان یک دین پسندیدم، نشان می دهد که در آن روز، جریانی رخ داده که آن قدر با اهمیت است که آن را مکمل دین و متمم نعمت خدا بر بشر شمرده است و با بودن آن، اسلام، اسلام است و خدا این اسلام را همان می بیند که می خواسته و با نبودن آن، اسلام، اسلام نیست. شیعه به لحن این آیه که تا این درجه برای این موضوع اهمیت قائل است استدلال می کند و می گوید: آن موضوعی که بتواند نامش مکمل دین و متمم نعمت و آن چیزی باشد که با نبودنش، اسلام، اسلام نیست، چه بوده است؟ می گوید ما می توانیم موضوعی را نشان بدهیم که در آن درجه از اهمیت باشد ولی شما نمی توانید. به علاوه روایاتی هست که تأیید می کند این آیه هم در همین موضوع [غدیر خم] وارد شده است.

مراد از «الیوم» چه روزی است؟

درباره این که مقصود از «الیوم» در آیه اکمال دین، چه روزی است، استاد مطالبی پر بار و پر دامنه عرضه می دارد و به نقد و بررسی آراء در این موضع می پردازد. او بعد از ذکر و نقد آراء دیگر (۱- روز بعثت ۲- روز فتح مکه ۳- روز قرائت سوره براءت) به بیان استدلال پراخته و می گوید:

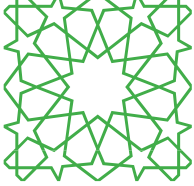
”استدلال شیعیان یکی از جنبه تاریخی است که می گویند وقتی ما می بینیم در لفظ آیه: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» این مطلب نیست که «امروز» کدام روز است، به تاریخ و شان نزول ها مراجعه

نظر استاد شهید مطهری درباره هر مساله اسلامی، آینه اسلام ناب محمدی (ص) است که با دلیل استوار و عبارات رسا و زیبا بیان کره است. عمده مباحث استاد درباره غدیر، در کتاب پر برگ و بار «امامت و رهبری» ذکر شده است. به مناسبت عید غدیر به نقطه نظرات این اسلام شناس شهید و مرزبان فرهنگ علوی می پردازیم.

غدیر و آینه تبلیغ

استاد مطهری، در بحث «امامت در قرآن» به آیات مورد استدلال شیعه، توجه کرده و می نویسد: از آیاتی که در این مورد در سوره مائده وارد شده یکی این آیه است: «بَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رَسُولَتَهُ» (مائده/۶۷) اینجا لحن، خیلی شدید است: ای پیامبر! آنچه را که بر تو نازل شد تبلیغ کن و اگر تبلیغ نکنی رسالت الهی را تبلیغ نکرده‌ای. مفاد این آیه آنچنان شدید است که مفاد حدیث «من مات و لم یعرف امام زمانه، مات میتة جاهلیة.» اجمالا خود آیه نشان می دهد که موضوع آنچنان مهم است که اگر پیغمبر تبلیغ نکند، اصلا رسالتش را ابلاغ نکرده است.

سوره مائده به اتفاق شیعه و سنی، آخرین سوره‌ای است که بر پیغمبر اکرم نازل شده و این آیات، جزء آخرین آیاتی است که بر پیامبر نازل شده یعنی در وقتی نازل شده که پیغمبر (ص) تمام دستورات دیگر را در مدت سیزده سال مکه و ده سال مدینه گفته بوده و این، جزء آخرین دستورات بوده است. شیعه سؤال می کند: این دستوری که جزء آخرین دستورهاست و آنقدر مهم است که اگر پیغمبر آن را ابلاغ نکند، همه گذشته‌ها کان لم یکن [هیچ و پوچ] است چیست؟ یعنی شما نمی توانید موضوعی نشان بدهید که مربوط باشد به سال های آخر عمر پیغمبر و اهمیتش در آن درجه باشد که اگر ابلاغ نشود هیچ چیز ابلاغ نشده است. ولی ما می گوییم آن موضوع، مساله امامت است که اگر نباشد، همه چیز کان لم یکن است، یعنی شیرازه اسلام از هم می پاشد. به



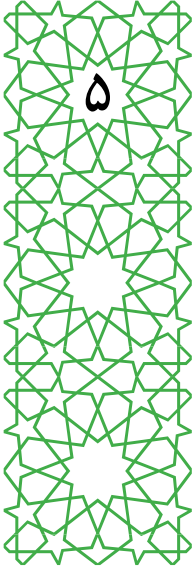
غدیر

ویژه نامه نشریه زائر
بعثه مقام معظم رهبری

چهارشنبه ۱ آبان ۱۳۹۲

۱۸ ذی الحجه ۱۴۳۴

۲۳ اکتبر ۲۰۱۳



حدیث اصطلاحی است. تواتر یعنی [مقدار نقل خبر] فوق تبانی [بر دروغ] باشد. شیعه مدعی است که نقل خبر غدیر در حدی است که ما احتمال تبانی هم در آن نمی‌توانیم بدهیم و بگوییم مثلا چهل نفر از صحابه پیغمبر تبانی کردند بر یک دروغ! خصوصا که بسیاری از ناقلان این خبر، جزء دشمنان علی(ع) بوده یا از طرفداران ایشان شمرده نشده‌اند....

شهید مطهری درباره این قسمت از روایت غدیر که «من كنت مولاه فهذا علي(ع) مولاه» معتقد است که حتی هیچیک از علمای مسلمان هم نتوانند انکار کنند که متواتر است.

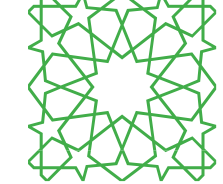
حدیث غدیر در منابع تاریخی

در نظر استاد، گذشته از کتب روایی، حدیث غدیر در بسیاری از کتب تاریخی هم ذکر شده است که آن کتب از منابع معتبر و مهم تاریخ شمرده می‌شوند: "قدیمی ترین کتاب تاریخی اسلام از کتاب های تاریخ عمومی اسلامی و از معتبرترین کتاب های تاریخ اسلامی که شیعه و سنی آن را معتبر می‌شمارند کتاب تاریخ یعقوبی است. مرحوم دکتر آیتی هر دو جلد این کتاب را ترجمه کرده‌اند، کتاب بسیار متقنی است و در اوایل قرن سوم

غدیر در آینه شعر

ادبیات و به ویژه شعر، آینه تمام نمای فرهنگ جامعه است و حضور مساله‌ای در ادبیات هر زمانی، نشانه مطرح بودن آن می‌باشد. و غدیر در همه قرن ها در ادب و فرهنگ مردم حضور داشته است. استاد درباره توجه علامه امینی در الغدیر به این مساله می‌نویسد: " (الغدیر) از جنبه ادبی هم استفاده کرده است، چون در هر عصری هر مطلبی که در میان مردم وجود داشته باشد، شعرا آن را منعکس می‌کنند... [علامه امینی] می‌گوید اگر مساله غدیر مساله‌ای بود که به قول آنها مثلا در قرن چهارم به وجود آمده بود، دیگر در قرون اول و دوم و سوم، شعراء این همه شعر، درباره‌اش نگفته بودند. در هر قرن ما می‌بینیم که مساله غدیر، جزء ادبیات آن قرن است. بنابراین، چگونه می‌توانیم این حدیث را انکار کنیم؟! "

ولایة علی بن ابی طالب
فمن دخل حصنی امن من عذای



اندیشمندان غیر مسلمان از علی (ع) می گویند

کارلایل

فیلسوف انگلیسی، هر گاه به نام علی (ع) می رسید بزرگی مولا چنان او را به وجد می آورد و نیروی عظمت آن حضرت چنان تحریکش می کرد که از بحث علمی بیرون می شد و بی اختیار شروع به مدیحه سرایی او می کرد، او درباره علی (ع) چنین می گوید: **” ما نمی توانیم علی را دوست نداشته باشیم و به وی عشق نورزیم زیرا هر چه خوبی هست همه در علی جمع است.** او جوانمرد شریف و بزرگواری بود که دلش سرشار از مهر و عطوفت و دلیری بود، از بشر شجاع تر، اما شجاعتش آمیخته با مهر و عطوفت و لطف و احسان بود. او همان جوانمرد یگانه ای است که پیش از رحلت خود درباره قاتلش از او نظر خواستند، فرمود: اگر زنده ماندم خود می دانم چه کنم و اگر درگذشتم اختیار با شماسست، اگر می خواهید او را قصاص کنید یک ضربت بیشتر به او زنید و اگر عفو کنید به تقوا نزدیک تر است.»

لا منس

یک کشیش بلژیکی است که در زبان عربی و تاریخ عرب مهارت داشت. او درباره علی (ع) می گوید: «برای عظمت علی (ع) این بس که تمام اخبار و تواریخ علمی اسلامی از او سرچشمه می گیرد. او حافظه و قوه شگفت انگیزی داشت. **علمای اسلام از مخالف و موافق، از دوست و دشمن مفتخرند که گفتار خود را به علی مستند دارند چرا که گفتار او حجیت قطعی داشت، او باب مدینه علم بود و با روح کلی پیوستگی تام داشت.**»

مادام دیالافوا

این بانوی اندیشمند غربی نیز در مقام تعریف حضرت علی (ع) چنین می نویسد: «احترام علی (ع) در نزد شیعه به انتها درجه است و حقا هم باید این طور باشد زیرا **این مرد بزرگ علاوه بر جنگ ها و فداکاری هایی که برای پیشرفت اسلام کرد، در دانش، فضائل، عدالت و صفات نیک بی نظیر بود و نسلی پاک و مقدس نیز از خود باقی گذارد.** فرزندان نیز از او پیروی کردند و برای پیشرفت مذهب اسلام مظلومانه تن به شهادت دادند. علی (ع) کسی است که در قضاوت به انتها درجه عدالت رفتار می کرد و در اجرای قوانین الهی اصرار و پافشاری داشت. علی کسی است که اعمال و رفتارش نسبت به مسلمانان منصفانه بود، او کسی است که تهدید و نویدش قطعی بود.»

مادام دیالافوا در ادامه این بحث می گوید: «چشمان من گریه کنید، اشک های خود را با آه و ناله من مخلوط نمایید و برای اولاد پیامبر که مظلومانه شهید شدند، عزاداری کنید.»
پطروشفسکی استاد دانشگاه لنینگراد روسیه هم می گوید: «علی (ع) تا سرحد شور و عشق پای بند دین، صادق و راستگو بود... و مقام صفات اولیاءالله در وجودش جمع بود.»

جبران خلیل جبران

وی که از علمای بزرگ مسیحیت، مرد هنر و صاحب ذوق بدیعی است لب به ستایش علی (ع) گشوده و چنین می گوید: «به عقیده من علی بن ابیطالب (پس از پیامبر) نخستین مرد از قوم عرب است که با وجودش، همه فضائل کامل بودن را در قوم خویش دمید ... دو طایفه شیفته روش علی (ع) بودند یکی خردمندان پاکدل و دیگری نیکو سرشتان با ذوق، علی بن ابیطالب (ع) شهید عظمت خویش گشت او از دنیا رفت در حالی که نماز بر زبانش جاری و دلش از شوق خدا لبریز بود. مردم عرب، حقیقت مقام او را درک نکردند ... علی (ع) مانند پیغمبران درگذشت، مقام و شأن او در بصیرت و بینایی چون پیغمبران، مختص شهر، بلد، قوم، زمان و مکان نبوده و شخصیتی بین المللی داشت.»

جبران همیشه وقتی نام علی (ع)

را در مجالس خاص و عام به زبان می آورد، تعظیم می کرد. شبلی شمیل

دانشمندی است که در سال ۱۳۳۵

هجری درگذشت. وی شاگرد برجسته مکتب داروین بود و نخستین کسی است که نظریه "قوه" را در شرق منتشر کرد. سپس برخلاف مکتب استاد خود که فردی الهی بود، به انکار مقدسات و جهان ماوراء طبیعت برخاست و تا لحظه مرگ از مکتب مادی گری پیروی نمود. وی با اصراری که در انکار توحید داشت، در برابر شخصیت علی (ع) سر تعظیم فرود

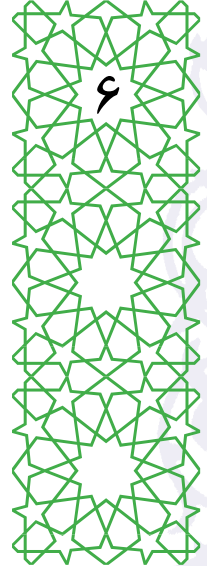
آورده و در مورد آن امام چنین می گوید: «امام و پیشوای انسان ها علی بن ابیطالب بزرگ بزرگان و یگانه نسخه ای است که با اصل خود، پیامبر (ص)، مطابق است هرگز اهل شرق و غرب، سخنرانی نظیر او در گذشته و حال ندیده است.»

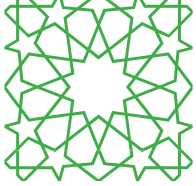
میخائیل نعیمه

از دانشمندان مسیحی است که در مقدمه ای که بر کتاب "صوت العدالة الانسانیة" نوشته، درباره حضرت علی (ع) چنین می گوید: «پهلوانی امام (ع) تنها در میدان جنگ نبود بلکه او در روشن بینی، پاکدلی، بلاغت، سحر بیان، اخلاق فاضله، شور ایمان، بلندی همت، یاری ستمدیدگان و ناامیدان، متابعت حق و راستی و بالجمله در همه صفات پهلوان بود. اگر چه مدت زیادی از حضور او گذشته، اما هر گاه بخواهیم بنیاد زندگی نیکو و سعادت مندی را بگذاریم باید به روش او رجوع کرده و دستور و نقشه را از او بگیریم.»

جرج جرداق

نویسنده مسیحی و معروف لبنانی در کتاب "صوت العدالة الانسانیة" درباره علی (ع) چنین می نویسد: «ای دنیا چه می شد اگر همه نیروهایت را در هم می فشردی و دوباره شخصیتی مانند علی با آن عقل، قلب، زبان و شمشیر نمودار می کردی؟»

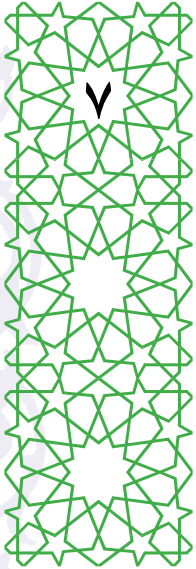




ستاره ای که همچنان ناشناخته است

غدیر

ویژه نامه نشریه زائر
بعنه مقام معظم رهبری
چهارشنبه ۱۳۹۲ آبان
۱۸ ذی الحجه ۱۴۳۴
۲۳ اکتبر ۲۰۱۳



غدیر؛ روز تجدید ولایت علی (ع)

شما مرا در این کار یاری می‌کند تا برادر و وصی من و خلیفه من در میان شما باشد؟ همه خاموش ماندند. علی گفت:

ای فرستاده خدا آن منم. پیغمبر فرمود: این وصی من و خلیفه من در میان شماست. سخن او را بشنوید و از او فرمان برید. از این روز علی به جانشینی و وصایت رسول خدا (ص) گماشته شد و چنانکه خواهیم نوشت در روز هجدهم ذو الحجه سال دهم هجرت که به واقعه غدیر معروف است خلافت او بر همه مسلمانان اعلام گردید.

در سال دهم رسول خدا به حج رفت و احکام آن را به مردم تعلیم فرمود و در خطبه معروف خود گفت: مردم! نمی‌دانم شاید سالی دیگر شما را در اینجا ببینم یا نه. از امروز خون و مال شما بر یکدیگر حرام است تا آنکه خدا را دیدار کنید. هنگام بازگشت از مکه در منزل جحفه (آنجا که کاروان‌ها از یکدیگر جدا می‌شوند) به امر خدا مردمان را ایستادند و در آن مجمع علی را به جانشینی خود به آنان شناساند و فرمود: هر کس من مولای اویم علی مولای اوست. چنانکه نوشته شد جانشینی علی سالها پیش انجام گرفته بود، اما آن مجمع در مکه و جمع خاندان هاشم بود، و سالها از آن می‌گذشت. در غدیر خم آن مطلب به اطلاع عموم مسلمانان رسید. حدیث غدیر آنچنان شهرت دارد که کمتر مورخی آن را نیاورده است.

برگرفتی از کتاب "علی از زبان علی"
نویسنده سید جعفر شهیدی

نیافته بود. من سومین آنان بودم روشنایی وحی و پیامبری را می‌دیدم و بوی نبوت را می‌شنودم و در جای دیگر می‌گوید:

هیچ کس پیش از من به پذیرفتن دعوت حق نشناخت، و چون من صلّه رحم و افزودن در بخشش و کرم نیافت. این هشام از این اسحاق آورده است:

نخستین مرد که به رسول خدا گروید و او را بدانچه از جانب خدا آورده بود گواهی داد، علی بن ابی طالب بود. در آن هنگام ده سال از عمر وی می‌گذشت و از جمله نعمت‌های خدا بر علی آن بود که پیش از اسلام در کنار رسول خدا به سر می‌برد در آغاز اسلام، خواندن مردم به مسلمانی پنهانی بود. این مدت را سه سال نوشته‌اند و چون آیه و اَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْاَقْرَبِينَ نازل شد پیغمبر به علی گفت:

خدا مرا فرموده است خویشاوندان نزدیکم را به پرستش او بخوانم. گوسفندی بکش و صاعی نان و قدحی شیر فراهم کن. علی چنان کرد. در آن روز چهل تن با نزدیک به چهل تن از فرزندان عبدالمطلب فراهم آمدند، و همگی از آن خوردنی سیر شدند. اما همینکه رسول خدا (ص) خواست سخنان خود را آغاز کند، ابو لهب گفت: «او شما را جادو کرد.» و مجلس بهم خورد. روزی دیگر پیغمبر (ص) آنان را خواند و گفت:

ای فرزندان عبدالمطلب گمان ندارم کسی از عرب برای مردم خود بهتر از آنچه من برای شما آورده‌ام باشد. دنیا و آخرت را برای شما آورده‌ام آنگاه رسالت خود را به خویشاوندان رساند و گفت کدام یک از

خاندان هاشم از مکتب چندانی برخوردار نبودند. ابوطالب که در کودکی سرپرستی محمد (ص) را بر عهده گرفت، فرزندان و عیال بسیار داشت. قریش را سالی سخت پدید آمد. محمد (ص) عموی خود عباس را گفت: «برادرت ابوطالب نانخور فراوان دارد و چنین که می‌بینی مردم در سختی به سر می‌برند، بیا نزد او برویم و از آنان بکاهیم. من از پسران او یکی را برمی‌دارم تو هم یکی را، و سرپرست آنها می‌شویم.» عباس پذیرفت. نزد ابوطالب رفتند و داستان را با او در میان نهادند. ابوطالب گفت: «عقیل را برایم بگذارید و هر چه خواهید بکنید.» محمد (ص) علی را و عباس جعفر را گرفت. ۱۱ از این رو علی در خانه محمد (ص) و در دامان او پرورده شد و خود در این باره چنین گوید: در پی او بودم چنانکه شترپیچ در پی مادر، هر روز برای من از اخلاق خود نشانه‌ای بر می‌داشت و مرا به پیروی آن می‌گماشت. هنگامی که رسول خدا در کوه حرا به رتبت پیغمبری مشرف گردید و به خانه بازگشت در خانه او خدیجه، علی و زید پسر حارثه به سر می‌بردند. چنانکه در تاریخ تحلیلی نوشته‌ام او حالت و رسالت خود را بیش از آنکه به دیگران بگوید به این سه تن گفت و هر سه بدو گرویدند. بی‌هیچ چون و چرا، باور داشتی است که علی (ع) نخستین مرد در پذیرفتن دین اسلام باشد. او در این باره چنین می‌گوید:

هر سال در حرا خلوت می‌گزید من او را می‌دیدم و جز من کسی وی را نمی‌دید. آن هنگام جز خانه‌ای که رسول خدا و خدیجه در آن بود در هیچ خانه‌ای مسلمانان راه



امام خمینی رحمت الله علیه:

وقتی میگوئیم ولایتی را که رسول اکرم(ص) و ائمه داشتند بعد از غیبت، فقیه عادل دارد، به این معنی نیست که مقام فقها همان مقام ائمه (ع) و رسول اکرم(ص) است زیرا اینجا صحبت از مقام نیست بلکه صحبت از یک وظیفه الهی است.



رهبر معظم انقلاب اسلامی:

فلسفه بسیار عمیق غدیر و منصوب شدن امیر مومنان به دست مبارک پیامبر عظیم الشان اسلام، آن بود که تعلیم و تربیت انسان ها تا ایجاد جامعه ای سعادتمند و عادلانه در سراسر کره زمین ادامه یابد.



چهارشنبه آبان ۱۳۹۲ - ۱۸ ذی الحجه ۱۴۳۴ - ۲۳ اکتبر ۲۰۱۳

کرانه غدیر

پیامبر در چهل سالگی به پیامبری رسید. سه سال مخفیانه و ده سال علنی تبلیغ کرد. بخاطر فشار و تهدید کفار، از مکه به مدینه هجرت کرد. شش سال در مدینه ماند، خواست برود مکه اعمال عمره را انجام بدهد، اما کفار مکه نگذاشتند پیامبر وارد شود و نزدیک بود درگیری پیش بیاید که صلح حدیبیه برقرار شد. دو سال بعد پیامبر و مسلمانان مکه را فتح کردند و خانه خدا را زیارت کرده و به مدینه بازگشتند. دو سال دیگر در مدینه ماندند و در سنّ شصت و سه سالگی پیامبر اعلام کرد برای انجام مناسک حج به مکه می‌روم، هر کس می‌خواهد بیاید. جمعیت انبوهی از مدینه و اطراف آن و دیگر مناطق اسلامی به مکه آمدند.

هنگام بازگشت، جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ...» و پیامبر را مامور نمود تا ولایت علی ابن ابی‌طالب را اعلام کند. لذا پیامبر در منطقه‌ای به نام غدیر خم، دستور توقف داد تا همه رسیدند. اینجا نقطه‌ای بود که راهها از هم جدا می‌شد، یکی به سمت مدینه، یکی به سمت یمن و یکی به سمت عراق می‌رفت.

پیامبر فرمود: آنها که رفته‌اند، بازگردند و صبر کنید تا آنها که بازمانده‌اند، برسند. هنگام ظهر نماز خواندند و پس از نماز، پیامبر خطبه‌ای مفصل خواند و آنگاه فرمود: من به زودی دعوت خدا را اجابت کرده، از میان شما می‌روم. ای مردم! درباره من چگونه شهادت می‌دهید؟ همگی با صدای بلند گفتند: گواهی می‌دهیم که تو رسالت الهی را ابلاغ کردی و آخرین تلاش و کوشش را در راه هدایت ما نمودی، خداوند ترا جزای خیر دهد.

سپس فرمود: من می‌روم ولی دو چیز گرانقدر در میان شما به یادگار می‌گذارم: یکی کتاب خدا که واسطه میان پروردگار و شماست، و دیگری خاندان من که خداوند به من خیر داده این دو از هم جدا نشوند، تا در بهشت به من بیوندند، از این دو پیشی نگیرید که هلاک شوید و دست از دامن آن دو برنارید که گمراه شوید.

آنگاه پیامبر دست علی را گرفت و بلند کرد، آن چنان که سفیدی زبر بغل هر دو نمایان شد و همه او را دیدند و شناختند. در اینجا پیامبر فرمود: «**إِيَّاهَا النَّاسُ مِنْ أَوْلِي النَّاسِ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ**»: چه کسی به مؤمنان از خود آنها سزاوارتر است؟

گفتند: خدا و پیامبرش دانانترند، پس فرمود: خدا، مولای من است، و من مولای و سرپرست مؤمنانم و نسبت به آنها از خودشان سزاوارترم. سپس فرمود: «من كنت مولاه فهذا علي مولاه»: هر که من مولای اویم، این علی مولای اوست. سپس دست به سوی آسمان برداشت و چنین دعا کرد:

خداوندا! دوستان او را دوست بدار و دشمنانش را دشمن بدار، یارانش را یاری کن، و آنها که او را ترک کنند، از یاری خویش محروم ساز، حق را همراه او بدار و او را از حق جدا مکن. سپس فرمود: حاضران، این خبر را به غایبان برسانند. خطبه که بپایان رسید، جمعیت متفرق نشده بود که جبرئیل نازل شد و این آیه را بر پیامبر خواند:

«**لَيْوَمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي...**»

اعمال روز غدیر

حادثه غدیر حادثه بزرگی است و عید غدیر عیدی بزرگ و شاید شریفترین عید مسلمانان است. در بیان ائمه علیهم السلام برای این روز بزرگ اعمالی وارد شده است:

تحکیم بیعت با علی (ع)

همانگونه که پیامبر اکرم بعد از نصب امام علی (ع) به امامت مسلمین به جماعت مسلمانان امر کرد که با او بیعت کنند، در سالروز آن حماسه جاوید پیامبر، تجدید آن بیعت سفارش شده است. لذا زیارت امیرالمومنین و سایر ائمه مستحب است. به همین منظور ادعیه زیادی نیز وارد شده است.

پیمان اخوت و برادری

از برنامه های اسلام ایجاد اخوت و برادری است و به همین منظور پیامبر اکرم(ص) بین مسلمانان مهاجر و انصار پیمان برادری بست و با پیمان اخوت، علی(ع) را با خویش برادر نمود و در برخی از زیارات که خطاب به پیامبر (ص) می خوانیم «**السلام علیک و علی اخیک علی بن ابیطالب علیه السلام**» یعنی سلام بر تو و برادرت علی (ع) اشاره به همین برادری است. پیمان برادری و عقد اخوت بستن از اعمال وارده در روز غدیر است و صیغه مخصوصی دارد که در مفاتیح الجنان آمده است.

احسان و انفاق

احسان و انفاق از دستورات ویژه اسلامی است اما در ایام بزرگ مثل عید غدیر بر آن تاکید بیشتری شده است در سیره امام حسن (ع) است که ایشان روز عید غدیر مهمانی می داد و شخص امام علی (ع) نیز در آن مراسم شرکت می کرد.

صله رحم

صله رحم از پسندیده ترین آداب اسلامی است و شرع مقدس اسلام براین مطلب تاکید فراوان نموده است. اما در روز عید غدیر بر این نکته سفارش بیشتری شده است. امام صادق (ع) می فرماید از کارهایی که در روز عید غدیر مستحب است صله رحم است.

رفع حاجت مؤمنان

رفع حاجت مؤمنان از جمله اعمالی است که اسلام برای آن ارزش خاصی قائل شده است و ائمه آن را از چند طواف برتر می دانند. در روز غدیر این عمل فضیلت بیشتری دارد. امام علی (ع) فرمودند: **کسی که مؤمنان را در روز غدیر تکفل کند نزد خدای متعال من ضامنش هستم که از کافر شدن و پریشان شدن در امان باشد**. یعنی رفع حاجت مومنان سبب عاقبت به خیری است.

دعا و روزه و عبادت

روزه و دعا از اعمالی است که در همه اعیاد مورد سفارش و تاکید است خاصه در روز عید غدیر حسن بن راشد گوید از امام صادق (ع) دربارۀ عید غدیر پرسیدم و حضرت فرمود این عید از عید قربان و فطر برتر است. آن روز را روزه بگیرد و بر محمد و آلش زیاد صلوات بفرستد



بخشی از سخنان حضرت آیت الله مجتبی تهرانی (ره)